

انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در عراق

غلامرضا خواجه سروی^۱

مریم رحمنی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران گفتمان سیاسی شیعه را در همه کشورهای اسلامی متأثر کرده است، اما یکی از مهم‌ترین این کشورها، عراق با اکثریت جمعیت شیعه و هم‌مرز با ایران است که دوره تبعید امام خمینی (ره) در آن، موجب تحولاتی عمیق در این کشور شد؛ به گونه‌ای که حوزه نجف را متحول کرد. بعدها کسانی مانند شهید صدر و آیت الله حکیم توانستند با تأسی از ایشان، نقش عمده‌ای را در عراق ایفا کنند. تحولات عراق بنا به دلایل ذکر شده و نیز به این علت که در دوره‌ای بخشی از خاک ایران بوده از اهمیت بسزایی برخوردار است.

با ابتننا بر مطالب مذکور، دغدغه اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال بوده است که "انقلاب اسلامی ایران چه بازتابی بر گفتمان سیاسی شیعه در عراق داشته است؟" به همین منظور، تلاش شد با کاربست دو روش گفتمان لاکلا و موف و نظریه پخش، مدلی تحلیلی ارائه شود که در سنجه آن به ارزیابی فرضیه اصلی مقاله، اینکه "انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری خود موجب پویایی، فعال و انقلابی شدن اندیشه سیاسی تشیع در کشور عراق شده است"، پرداخته شود. به منظور اثبات فرضیه، سعی شد دوران حکومت صدام، گفتمان مقاومت و پس از سقوط وی، دو خرده‌گفتمان مقاومت بر علیه تروریسم و اشغالگر خارجی، و گفتمان مشارکت در بعد داخلی مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، گفتمان سیاسی شیعه، عراق، گفتمان مقاومت، گفتمان

مشارکت

Email: khajeh sarvy@yahoo.com

Email: m22aryam@yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۳/۲۵

۱- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

۲- کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۵

مقدمه

انقلاب به عنوان پدیده‌ای معطوف به قدرت، بنا به سرشت خود آثار و عواقبی را در سطوح مختلف کشوری، منطقه‌ای و جهانی به جای می‌گذارد. انقلاب اسلامی ایران نیز به عنوان پدیده‌ای نادر، منجر به تحولاتی عمیق گردیده و بدین سبب از ابعاد و جهات مختلف و متنوع بارها مورد تحلیل و تفاسیر متعدد قرار گرفته است. بررسی بازتابها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح بین الملل اسلامی و همچنین در مقیاس بین المللی و جهانی را باید از مهم‌ترین مسائل انقلاب اسلامی و اساسی‌ترین موضوع از دیدگاه رهبری انقلاب تلقی کرد. طرح مسأله صدور انقلاب از روزهای اولیه پیروزی آن توسط حضرت امام(ره)، نشانگر این حقیقت بود که انقلاب اسلامی در ذات خود بیانگر، تحولی ایدئولوژیکی در رابطه با مسلمانان و مستضعفان جهان است (عمید زنجانی، ۱۳۷۶: ۳۵۱). انقلاب اسلامی ایران به موازات تحولات داخلی، زمینه ساز روندی از رخدادها و تحولات در جوامع اسلامی نیز بوده و جریان‌ها و نهضت‌های اسلامی را در کشورهای مسلمان تحت تأثیر قرار داده، اما بیشترین اثر را در تعالی گفتمان سیاسی شیعه به دنبال داشته است و گفتمان سیاسی نوین شیعه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانسته برای مهم‌ترین چالش‌های اساسی رو در روی خود پاسخ مناسبی پیدا کرده و از حالت سکون و انجماد به حالت پویایی و تحول برسد.

بنابراین، بر پایه مطالب فوق و با توجه به تأکید بر صدور انقلاب و لزوم اتحاد و وحدت کلمه مسلمین و بخصوص شیعیان سراسر جهان، یافتن ظرفیت‌ها و ابعاد جدید و ناگفته گفتمان انقلاب اسلامی ایران، امری ضروری می‌نماید. از میان این ظرفیت‌ها، شناخت تأثیرات انقلاب بر گفتمان سیاسی شیعه می‌تواند گامی در جهت حل مشکلات جهان اسلام، تولید ادبیاتی جدید در حوزه جنبش‌های اسلامی، و پاسخگوی بسیاری از مسائل امروز دنیای اسلام و منطقه و راهکاری برای شناخت بیشتر و بهتر این گفتمان و مکان‌های مبدأ و مقصد و نحوه پخش آن باشد.

با توجه به مطالب پیش گفته، هدف اصلی این نوشتار پاسخگویی به این سؤال است که، انقلاب اسلامی ایران چه بازتابی بر گفتمان سیاسی شیعه در عراق داشته است؟ فرضیه ما این است که انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری خود موجب پویایی و فعال و انقلابی شدن اندیشه

سیاسی تشیع در کشور عراق شده است. به منظور مدلل کردن سخن خود، برآنیم در قالب دو روش گفتمان لاکلا و موفه و نظریه پخش، به بررسی دوران حکومت صدام، گفتمان مقاومت و پس از سقوط وی، دو خرده گفتمان مقاومت بر علیه تروریسم و اشغالگر خارجی و گفتمان مشارکت در بعد داخلی بپردازیم.

۱. سپهر نظری

محدوده کار ما در این مقاله، محدوده گفتمانی است. این روش، در ردیف روش‌های پسامدرن دسته بندی می‌شود و یک روش تحلیل کیفی است امروزه، مفهوم گفتمان بر فرآیندهای اجتماعی تأکید دارد که مولد معناست و از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان متفاوت درک می‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷). برخی نیز گفتمان را فنون تحلیلی می‌دانند که برای آشکار ساختن الگوهای فهم، باور، ارزش و ساختار ایمان مندرج در گفتمان به کار می‌رود (میلز، ۱۳۸۸: ۱۳). در میان تعاریف مختلف گفتمان، کاربردی‌ترین روش گفتمانی، تحلیل گفتمان لاکلا و موف است. نظریه گفتمان در نزد این دو اندیشمند با سیاست و اجتماع پیوند می‌خورد.

۱-۱. نظریه گفتمان لاکلا و موف

ارنستو لاکلا و همسر وی، شنتال موف، با استفاده از نظریه فوکو، نظریه گفتمانی را به همه امور اجتماعی و سیاسی گسترش می‌دهند و می‌کوشند با استفاده از این نظریه، جامعه معاصر را تحلیل کنند. در این دیدگاه، امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند. آنها معتقدند هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است، کسب می‌کند. بر این اساس، نوعی نسبی‌گرایی در این نظریه وجود دارد و هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به سایر پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۴-۵۳۳).

لاکلا و موف در تبیین بهتر نظریه گفتمانی خود، مباحث دیگری را مطرح می‌کنند؛ از جمله

این مباحث عبارتند از :

دال‌های شناور: نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آنها به شیوه خاص خود معنا ببخشند. گفتمان‌هایی که بتوانند با جذب این دال‌ها به ابهام و خلاء معنایی

موجود پایان بخشند، در دسترس عاملان اجتماعی قرار می‌گیرند و امکان هژمونیک شدن آنها فراهم می‌شود.

قابلیت اعتبار: پذیرش یک گفتمان شرط دیگری نیز دارد و آن قابلیت اعتبار است. یعنی اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی آن گروه اجتماعی ناسازگار باشد. دال مرکزی: هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند، حول یک مفهوم یا دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند (همان: ۵۴۰-۵۳۹).

زنجیره هم ارزی و تفاوت: در عمل مفصل‌بندی، دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم ارزی ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدید کننده آنها باشند. زنجیره هم ارزی در تقابل با خصم و غیر و با جذب عناصر شناور و تبدیل آنها به وقته، ایجاد می‌شود. بنابراین، منطق هم ارزی شرط وجود هر صورت بندی است. شرایط وجودی یک گفتمان وابسته به غیر است. لاکلا معتقد است خصومت عملکردی دوسویه دارد: از یک سو، مانع عینیت و تثبیت گفتمان‌ها و هویت‌هاست؛ و از سوی دیگر، سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی است (همان: ۵۴۵). به نظر لاکلا و موف، مفصل‌بندی‌های سیاسی نوع فکر و عمل ما و شیوه شکل‌گیری جامعه را تعیین می‌کنند. نظام روابط اجتماعی به عنوان مجموعه‌هایی مفصل‌بندی شده از گفتمان‌ها، همواره ساخته‌ای سیاسی است؛ به این معنا که بر اعمال قدرت و خصومت و طرد غیر استوار می‌باشد. بنابراین، گفتمان‌هایی که جامعه را می‌سازند و به فهم ما از جهان نظم می‌بخشند، ذاتاً سیاسی‌اند و سیاست سازماندهی جامعه را بر عهده دارد. عرصه سیاست، عرصه منازعه بین گفتمان‌ها برای تثبیت شدن و غلبه بر سایرین است و زمانی که گفتمانی مسلط شد و جایگزین‌ها و رقبای خود را طرد کرد، عینیت شکل می‌گیرد (همان: ۵۵۵ - ۵۵۴).

۲-۱. نقد نظریه گفتمان لاکلا و موف و کاربرد آن در ادبیات دینی

در تعریف نظریه گفتمان لاکلا و موف گفتیم که آنها معتقدند هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که خارج از گفتمان به بقیه پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد، اما از طرفی آنها در کتاب «سیاست و ایدئولوژی در تئوری مارکسیستی» می‌گویند که اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول بنیادین

جامعه ناسازگار باشد و در جای دیگر بحث قابلیت اعتبار را در مورد پذیرش یک گفتمان مسلط مطرح می‌کنند و اعتبار یک گفتمان را در ناسازگار نبودن اصول پیشنهادی گفتمان و اصول اساسی گروه اجتماعی مطرح می‌کنند. در این قسمت، آنها سخن قبلی خود را نقض کرده‌اند؛ زیرا بر اساس نظر خود آنها پیرامون قابلیت اعتبار، نتیجه می‌گیریم که خارج از گفتمان معنا و هویت وجود دارد. همین امر نسبت را بدان شکلی که آنها در نظریه خود مطرح می‌کنند، رد می‌کند و در این حالت، مفهوم غیریت می‌تواند به ایجاد گفتمان کمک کند، اما با از بین رفتن غیره و دشمن این‌گونه نیست که گفتمان کاملاً از بین برود. به طور مثال، بیرون رفتن اسرائیل از جنوب بیروت که غیر از ناتوانی اسرائیل در مقابل گفتمان مقاومت لبنان، دلیل دیگرش، هدف مشخص حذف غیر و از بین رفتن گفتمان مقاومت بود. به دلیل همین محاسبه اشتباه در شناخت گفتمان با شکست روبه‌رو شد و گفتمان مقاومت از بین نرفت؛ زیرا این گفتمان ریشه در اصول بنیادین جامعه دارد؛ یعنی اینکه خرده‌گفتمانی از گفتمان سیاسی شیعه است که ریشه در نهضت عاشورایی امام حسین(ع) دارد و دال مرکزی آن اسلام است، با اصول ثابتی همخوانی دارد که به آن شانس بقا می‌دهند و با از بین رفتن دشمن، از بین نرفته و فقط ممکن است گفتمان مسلط نباشد. مطلب دیگر اینکه گفتمان‌ها در پاسخ به نیازهای اجتماعی به وجود می‌آیند، پس مفصل‌بندی دال‌های یک گفتمان نمی‌تواند تصادفی باشد و در پاسخ به بحران‌های به وجود آمده در یک زنجیره هم‌ارزی، مفصل‌بندی می‌شوند.

با وجود انتقادهای مطرح شده به نظریه لاکلا و موف، باید گفت که این نظریه ویژگی‌های زیادی دارد که آن را جزء نظریه‌های گفتمانی مهم در حوزه علوم انسانی قرار داده است (اردکانی، ۱۳۸۶ : ۱۳۳۹). این نظریه در تحلیل و تبیین مسائل دینی، خصوصاً در حوزه کاری ما که مربوط به مقوله گفتمان سیاسی شیعه است، به دلیل همین مشخصه‌هایی که برشمردیم، خصوصاً تأکید بر نقش رهبران، بسیار کارآمد و مفید می‌باشد. لذا در این پژوهش، با توجه به موضوع مورد بحث و تعاریف مختلف گفتمانی و توجه به برآیند این تعاریف، که گفتمان به مثابه نظام باورها و ارزش‌ها است، نظریه گفتمانی لاکلا و موف را - با در نظر گرفتن نقدهایی که به این نظریه برای اولین بار در این پژوهش وارد آمده-، به عنوان روش تحقیق این مقاله

برمی‌گزینیم، ولی با توجه به نوع کار از نظریهٔ پخش نیز برای توضیح چگونگی این تأثیر کمک می‌گیریم.

۳-۱. نظریهٔ پخش

اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که مشخصهٔ یک جامعه است، در جامعهٔ دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۲).

برای توضیح دقیق‌تر این امر، به تقسیم‌بندی هاگر استرنده اشاره می‌شود. وی چند نوع پخش را تشخیص داده است:

- پخش جابه‌جایی: پخش جابه‌جایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایدهٔ مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابه‌جایی، اشاعه یافته‌اند.

- پخش سلسله‌مراتبی: در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد.

- پخش سرایتی یا واگیردار: در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد. این فرآیند بشدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد.

۴-۱. مدل تحلیل بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان سیاسی شیعه

پس از ارائهٔ تعاریف گفتمان و پخش و بررسی ویژگی‌های آنها، در ادامه به ارائه یک مدل تحلیل برای بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان سیاسی شیعه می‌پردازیم.

از میان ویژگی‌هایی که برای گفتمان و پخش ذکر شد، مشخصه‌های ذیل از این دو نظریه به عنوان مدل تحلیل این پژوهش به کار می‌روند:

- قابلیت اعتبار که بر اساس آن، اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی جامعه ناسازگار باشد.

- مفهوم غیریت یا خصومت که بر اساس آن، حضور دیگری می‌تواند در شکل دهی به گفتمان مؤثر افتد.

- دال مرکزی که هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد.

- زنجیره هم ارزی، دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم ارزی ترکیب می‌شوند و نشانه‌های بامحتوایی می‌سازند.

- نقش رهبران که در ایجاد زنجیره هم ارزی بسیار مهم است.

- پخش جابه‌جایی که با جابه‌جایی فرد یا گروه حامل اندیشه همراه است.

- پخش سلسله مراتبی که با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم و تأثیرگذار، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای همجوار و منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به طور خاص، و جهان به طور عام، تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفت. ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران همچون هر نوآوری دیگری به شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت‌انگیز بود. بنابراین، انقلاب اسلامی کانون پخش و تراوش در منطقه شد. یک بررسی مقایسه‌ای بین موزائیک فرهنگی منطقه، قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی، به خوبی نشان دهنده تغییرات بافت موزائیک منطقه‌ای خاورمیانه است و ما شاهد مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیر ارادی یا به تعبیر گراهام فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه می‌باشیم. این تأثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند نیز تحت تأثیر آن قرار گرفتند (برزگر، ۱۳۸۲: ۵۶).

گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان غالب در منطقه خاورمیانه به تناسب و فراخور شرایط و احوال، خرده گفتمان‌هایی را نیز به دنبال دارد. مثل گفتمان مقاومت، گفتمان استکبار ستیزی، گفتمان عدالت و...؛ یعنی دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی می‌توانند با توجه به شرایط در نقاط مختلف خرده گفتمان‌هایی را ارائه دهند.

دال مرکزی این انقلاب اسلام است و یکی از بحث‌های محوری در آن که دغدغه اصلی مسلمانان و خصوصاً شیعیان نیز هست، بحث رهبری جامعه اسلامی و نوع همکاری با حاکم است. در نتیجه، برای تصدی حاکمیت جامعه مسلمین، به دست آوردن قدرت امری ضروری

می‌نماید که این امر با پیروزی انقلاب اسلامی میسر شد. پیروزی انقلاب موجب شد تفکر سیاسی شیعه از حالت سکون خارج شده و گفتمان سکوت، به یک گفتمان پویا و فعال تبدیل شود. این گفتمان معطوف به قدرت است و ریشه در اصول ثابت و بنیادین جامعه دارد، لذا نشانه‌ها و دال‌های آن نیز ثابت بوده و حالت نسبی ندارند. اما با توجه به شرایط موجود و نیاز جوامع و بحران‌هایی که در هر زمان خاصی ممکن است ایجاد شود، یک دال از دال‌های اصلی گفتمان هژمونیک می‌شود و خرده گفتمان خاصی را به وجود می‌آورد. در این میان، مناطقی که دارای همان اصول و معانی ارزشی هستند نیز تحت تأثیر آن گفتمان مسلط قرار می‌گیرند و ما شاهد پخش این گفتمان در آن مناطق هستیم.

به طور کلی، این گفتمان، گفتمان نو و مرکب از خرده گفتمان‌های جهان شمول و پیام‌های دارای مخاطب عام و فراگیر است که از طریق تأثیرگذاری سلسله مراتبی و جابه‌جایی، جامعه مخاطب خود را به شکل اولویتی متأثر می‌کند و ویژگی‌های خود را به آن انتقال می‌دهد. در این بین، اولویت با کشورهایی است که دارای ترکیب جمعیتی قابل توجه شیعه هستند، لذا در این پژوهش برآنیم تا تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان سیاسی شیعه را در عراق - کشور مسلمان دارای ترکیب جمعیتی قابل توجه شیعه - بررسی کنیم و در این پژوهش، برای آزمون فرضیه از جزئیات واقعیات تاریخی استفاده نموده‌ایم (لینکلتر، ۱۳۸۵: ۷۳).

گفتمان سیاسی شیعه در عراق تاریخ پرفراز و نشیبی داشته، ولی قطع نظر از این تاریخ که بی‌ارتباط با ایران هم نبوده است باید گفت که خاستگاه معاصر آنان کاملاً در پیوند با انقلاب اسلامی ایران تعریف شده است. لذا در این مقاله تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان سیاسی شیعه عراق در یک بستر تاریخی مشخص بررسی می‌شود.

۳. قابلیت اعتبار گفتمان سیاسی شیعه در عراق

پس از جنگ جهانی اول، عراق نخستین کشور عربی بود که به استقلال دست یافت؛ هر چند این امر با قیمومیت انگلستان همراه بود. این کشور پس از استقلال در کانون توجه تاریخ عرب قرار داشته و به شکل‌گیری گفتمان و سیاست‌های عربی کمک کرده است. از کل جمعیت عراق، حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند که امروزه بزرگ‌ترین گروه منفرد مذهبی عراق هستند. شیعیان با وجود اینکه همواره در اکثریت بودند، اما از مراکز قدرت و نهادهای عالی

دولتی در این کشور دور بوده‌اند. نقش آنان در تعیین سرنوشت ملت عراق در تمامی عرصه‌های حیاتی دائماً کاهش یافته و تصمیم‌گیری‌های غیر قانونی بر آنان تحمیل شده است (حکیم، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

شیعیان عراق با وجود تبعیضات فراوان، با اتکا به رهبری مذهبی توانستند هویت خود را حفظ کنند و شهرهای مقدس عراق همواره مراکز مهم پژوهش و تحصیل علوم دینی برای شیعیان جهان بودند. ایده‌های روحانیان جوان و سیاسی جهان عرب در کوره حوزه‌های علمیه و مدارس نجف شکل می‌گرفت و به بیان در می‌آمد. محمد باقر صدر روحانی تیزهوش عراقی که خویشاوندانی در سراسر جهان شیعی داشت، متفکر عمده‌ای بود که اندیشهٔ اسلام سیاسی را در جهان تشیع دنبال می‌کرد. صدر و دیگر روحانیان عرب تحصیل‌کرده در حوزهٔ نجف، در شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی شیعی در سراسر جهان عرب عمیقاً اثرگذار بودند و این در حالی بود که آنها خود به شدت تحت تأثیر امام و تفکر او قرار داشتند. نقش و نفوذ عراق در رشد فکری و معنوی تشیع در گذر تاریخ انکار ناپذیر است. پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیر زیادی بر مردم و جریان‌های سیاسی عراق داشت. وجود اصول اعتقادی مشترک (مبانی نظری مشترک اسلام و به ویژه مذهب شیعه)، نقش مؤثر مقولهٔ مرجعیت، سابقهٔ اقامت مرجع تقلید وقت، امام خمینی در عراق، وجود عتبات عالیات در عراق و مراودات بین حوزه‌های علمیه دو کشور از جمله شاخص‌های مهمی است که «همبستگی ایدئولوژیک و همگرایی تاریخی- فرهنگی» بین دو جامعهٔ شیعی ایران و عراق را در طی دهه‌های اخیر و مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، موجب می‌گردید.

لذا با این تعاریف و با داشتن اکثریت جمعیت شیعه و سابقهٔ مبارزاتی رهبران شیعه، این نتیجه حاصل می‌شود که گفتمان از قابلیت اعتبار برخوردار است و با اصول و ارزش‌های بنیادین جامعه همخوانی داشته و می‌تواند هژمونیک شود.

۴. تأثیر غیر (دشمن) در اعتلای جریان سیاسی شیعه عراق

نقش و نفوذ مرجعیت شیعه در عراق انکارناپذیر است، ولی این نقش در حاکمیت رژیم بعث خدشه دار شده و تضعیف گشت (فولر- فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۸۶-۱۸۳). حزب بعث برای ملت عرب رسالت تاریخی قایل می‌شود و علت آن را برتری نژاد عرب بر سایر نژادها می‌داند. به همین

جهت، ناسیونالیسم افراطی عربی و تصور کردن نقش رهبری جهان عرب را برای خود قائل است (آقاجانی قناد، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰) و به همین جهت، به تدریج حکومت جدید بعثی به ایجاد محدودیت‌های فراوانی در زندگی مذهبی و فرهنگی شیعیان پرداخت که مصادره موقوفات، تعطیل کردن مدارس علمیه و ممانعت از اجرای مراسم مذهبی، نمونه‌ای از آنهاست.

نکته‌ای که ارتباطی خاص با شیعیان عراقی دارد، این است که ملیت‌گرایی عربی مدت‌ها خود را از طریق دشمنانش تعریف می‌کرد و در این زمینه، ایرانیان را دشمنان تاریخی عرب‌ها و تهدیدی دائمی برای تمدن عربی قلمداد می‌کرد. برابر انگاری ایران با تشیع و حضور درازمدت علما و خانواده‌های ایرانی در عراق، شیعیان را در کانون سوءظن قرار می‌داد. در تفسیری جزم‌گرایانه از ملیت‌گرایی عربی، شیعیان به علت ارتباط نزدیک ایران با تشیع گناهکار شناخته می‌شدند (همان: ۲۰۲).

حزب بعث به مقتضای اندیشه چپ‌گرایانه‌اش، با تحرک فرهنگ اسلامی در سطح جامعه مخالف بود (خرمشاد، ۱۳۹۰: ۱۸۳)، اما عمل شخصی به تشیع را مجاز می‌دانست. لذا با قدرت یافتن این حزب در عراق، ماهیت تهدیدات علیه تشیع تغییر کرد. رژیم جدید، در تمام جنبه‌ها خطر قریب الوقوعی برای تشیع بود و امنیت و آسایش جامعه شیعی را تهدید می‌کرد و این امر با پیروزی انقلاب اسلامی شدت بیشتری یافت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ما شاهد یک خودآگاهی عمیقی میان شیعیان عراق هستیم. لذا متعاقب با آن سختگیری‌های رژیم بر علیه شیعیان نیز بیشتر شد؛ به طوری که، از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵، رژیم دست‌کم ۴۱ روحانی را اعدام کرد که از آن جمله می‌توان به اعدام محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی در ۱۹۸۰ اشاره کرد (همان: ۲۰۷).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه سال ۱۹۷۹م. تغییرات شگرفی در اوضاع سیاسی منطقه خاورمیانه رخ داد. عراق از جمله کشورهایی بود که تأثیرات وقوع این انقلاب را با تمامی وجود احساس نمود. حمایت همه جانبه شیعیان عراق از پیروزی انقلاب، زنگ خطری برای رژیم بعث به حساب می‌آمد (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۷۵). این احساس خطر موجب اقداماتی از سوی رژیم صدام بر علیه شیعیان شد، که ما آن را در چند مرحله بررسی می‌کنیم:

۴-۱. غیریت و گفتمان سیاسی شیعه در عراق، قبل از حمله نظامی صدام به ایران

به نظر می‌رسد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روح امید را در میان شیعیان عراق زنده نموده بود. در ۲۲ می سال ۱۹۷۹م./۱۳۹۹ق.، جمعیت عظیمی از شیعیان عراق با تجمع در شهر نجف و انجام راهپیمایی، پیروزی انقلاب ایران را جشن گرفتند. در این گردهمایی، شعارهایی چون: «در سایه خمینی و صدر، اسلام پیروز خواهد شد» و «ای رهبر عصر، ما همیشه سربازان وفادارت خواهیم بود» بارها به گوش شنیده شد. این راهپیمایی خشم حاکمان بعثی را برانگیخت و بر دامنه سختگیری و خشونت آنان علیه گروه‌های شیعی افزود. آیت الله صدر در واکنش، تصمیم به ترک عراق و مهاجرت به ایران گرفت. ولی امام خمینی طی نامه‌ای سرگشاده، آیت الله صدر را به ماندن در عراق مکلف نمود.

این مسائل، رهبران رژیم بعث را به شدت وحشت زده نمود. آنان نگران وقوع انقلابی شبیه ایران در کشور خود بودند. این موضوع بارها توسط صدام حسین و در جلسات مختلف عنوان گردید. در فوریه سال ۱۹۸۰م./۱۴۰۰ق. رئیس جمهور عراق طی سخنانی از تقسیم عراق به سه ایالت شیعه، سنی و کردنشین اظهار نگرانی نمود. همچنین، در جریان ملاقات با حسنی مبارک، رئیس جمهوری مصر، صدام حسین اعلام نمود که تهدید کشور اسلامی ایران برای رژیم وی به مراتب بیشتر از کشور اسرائیل است؛ زیرا از نگاه وی ایران دارای سلاحی بود که شامل دو بعد سیاسی و مردمی می‌شد و این دو می‌توانستند با کمک همدیگر حکومت وی را نابود سازند. مجموعه این عوامل دولتمردان عراقی را به سوی یک رشته عملیات خشونت بار علیه جامعه شیعی سوق داد. این رژیم در نخستین گام، قیام ۱۳ رجب ۱۳۹۹ق./۱۹۷۹م.، را به خاک و خون کشید. این حرکت در واقع بازتاب مستقیم و فوری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عراق بود. اعلام حمایت مطلق آیت الله صدر از انقلاب اسلامی ایران و تشویق مبارزه مسلحانه علیه بعث، رژیم را واداشت تا او را به خاطر طرح ریزی در جهت تشکیل حکومت شیعه در عراق به خیانت متهم کند. در ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۹، تعداد زیادی از روحانیون از جمله حجت الاسلام حاج قاسم المبرقع و شیخ قاسم شبر اعدام شدند؛ همچنین، پانزده روحانی نیز از عراق اخراج شدند که سید محمد شیرازی از جمله این اخراجی‌ها بود (خرمشاد- نادری، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۱۸۹). آیت الله صدر و خواهر فعال او بنت الهدی در آوریل ۱۹۸۰م./۱۴۰۰ق. اعدام شدند. طی آن ماه‌ها، علاوه بر

دستگیری تعداد زیادی از مخالفان شیعی، ده‌ها هزار نفر از شهروندان ایرانی و عراقی به ایران اخراج شدند. بدین ترتیب سرکوب شدید شیعیان و اقدامات خشونت بار حزب بعث در مورد آنان، از زمان به قدرت رسیدن تا زمان سقوط در مقاطع مختلف ادامه یافت و این امر نقش مهمی در شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های معارض شیعی علیه حزب بعث داشت (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

در پی اعدام محمد باقر صدر و روحانیان دیگر در ۱۹۸۰ و آغاز جنگ ایران و عراق، شمار زیادی از روحانیون عراقی به همراه بسیاری از طرفدارانشان رهسپار ایران شدند. سید محمد باقر حکیم - پسر آیت الله محسن حکیم و برادر مهدی حکیم - از جمله روحانیونی بود که به ایران گریخت. وی و دیگر رهبران روحانی و غیر روحانی، برای هماهنگ کردن فعالیت‌های گروه‌های شیعی که در آن زمان به طور چشم‌گیری افزایش یافته بودند، در تهران و با حمایت حکومت ایران، مجلس اعلا‌ی انقلاب اسلامی عراق^۱ را تشکیل دادند (فولر، فرانکه، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

نقل شده است که در اولین روزهای انقلاب اسلامی، صدام حسین طی سخنانی با مسؤولان بلندپایه عراق اظهار داشت که شاه دو اشتباه عمده انجام داد:

اول اینکه او بزرگ‌ترین دشمن خود یعنی امام خمینی را نکشت؛ دوم اینکه ایران را دست نخورده برای انقلابیون باقی گذاشت.

صدام گفته بود که وی مرتکب این اشتباهات نخواهد شد و اگر بنا باشد برود، جز زمین سوخته بر جای نمی‌گذارد. و به همین دلیل هم بود که در همان سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی آیت الله صدر و خواهرش را شهید و به زعم خود بزرگترین دشمن خویش را حذف کرد.

۲-۴. غیریت و گفتمان سیاسی شیعه در عراق بعد از حمله نظامی صدام به ایران

تفکراتی که صدام با آن دست به گریبان بود، موجب شد در محاسبه توان و قدرت خود دچار اشتباه شده و دست به اقدام نابردانه حمله به ایران بزند. در تعیین قدرت بالقوه یک کشور یا در تعیین پی‌آمد مبارزه با سایر ملل نمی‌توان یک عنصر قدرت ملی را عامل قطعی به شمار آورد. اکثر عوامل قدرت بسته به زمان و قدرت رقیبان امری نسبی‌اند و ارزیابی ظرفیت‌های ملی بدون در نظر گرفتن ماهیت تطبیقی این عناصر می‌تواند برای امنیت ملی خطرناک باشد (Plano, Olton, 1969: 10). و این اتفاقی بود که برای صدام افتاد و با مقاومت و عکس

1. SCIRI

العمل گستردهٔ ایرانیان در مقابل حمله عراق، محاسبه صدام جهت تحقق فرصت‌ها غلط از آب درآمد، لذا جنگ مبدل به تهدید جدیدی برای حکومت عراق و فرصت نوینی جهت صدور انقلاب و تحکیم آن گردید.

این جنگ ایجاب می‌کرد که حکومت عراق رویکرد دوسویه‌ای در مقابل شیعیان پیش گیرد؛ در سال‌های آغازین جنگ، آزار و اذیت روحانیان شیعه و احزاب اسلامگرا را تشدید کرد و به تبعید خانواده‌های شیعی به ایران سرعت بیشتری بخشید. اما در سال ۱۹۸۳، عراق برتری نظامی‌اش را از دست داد و ناچار شد خط مشی خود را اصلاح کند. رژیم دریافت که می‌باید وفاداری شیعیان را که اکثریت قاطع سربازان و افسران درجه‌دار نیروهای مسلح عراق را شکل می‌دادند، جلب نموده و به رغم تبلیغات ایران، اعتبار اسلامی‌اش را تقویت کند. دیدار مقامات رده بالای عراقی، از جمله صدام حسین، از شهرهای مقدس نجف و کربلا به طور چشمگیری افزایش یافت و در حد مراسم ملی کشور مطرح شد؛ ساختمان‌های این شهرها، در همان حال که علمای شیعه سرکوب و ارباب می‌شدند، نوسازی و تزئین شدند.

حکومت عراق بسیار کوشید تا جنگ با ایران را بخشی از نزاع دیرین عرب و عجم جلوه دهد، نه صرفاً جنگی میان این کشور با همسایه ایرانی‌اش یا جنگی فرقه‌ای بین نظام‌های سیاسی شیعه و سنی. رژیم این جنگ را با اشاره به نبرد سال ۶۳۷م. که ایران را تحت حاکمیت مسلمانان قرار داد، «قادسیهٔ صدام» نامید و با این کار در پی آن بود که جنبهٔ مذهبی به آن ببخشد. رژیم از ترس اینکه شیعیان به نفع ایران به اقدامات خرابکارانه در جنگ دست بزنند، با احساسات پان عربی و پان اسلامی عراقی‌ها بازی می‌کرد (فولر- فرانکه، ۱۳۸۴: ۲۰۹-۲۱۰).

در سال‌های واپسین جنگ ایران و عراق، صرفاً آتش بسی موقتی بین رژیم و شیعیان برقرار بود، اما در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ میلادی، درگیری میان گروه‌های چریکی شیعه و حکومت عراق بار دیگر آغاز شد و رژیم باتلاق‌های جنوب عراق را که گفته می‌شد پناهگاه سربازان فراری و مخالفان است، آماج حمله قرار داد. در دسامبر ۱۹۸۸م، حکومت عراق «طرح بسیار محرمانه عملیات در باتلاق‌ها» را اجرا کرد که به موجب آن، این منطقه محاصره اقتصادی شد و روستاها و محصولات کشاورزی به آتش کشیده شد و مظنونان بازداشت شدند.

۳-۴. غیریت و گفتمان سیاسی شیعه در عراق پس از جنگ خلیج فارس

نقطه عطف رویارویی شیعیان و رژیم، شورش گسترده‌ای بود که در مارس ۱۹۹۱، بلافاصله پس از جنگ خلیج فارس، در جنوب عراق رخ داد و شورش کردها را در شمال در پی داشت. طی چند روز، شورش به تمام استان‌های جنوب بغداد کشیده شد. حکومت در واکنشی وحشیانه، با به کارگیری تانک، توپ و هلی‌کوپترهای جنگی به بمباران شهرها و حرم‌های جنوب پرداخت. تانک‌های ارتش زیر نظر حسین کامل، داماد صدام، وارد کربلا شدند. آنها پرچم‌هایی را با خود حمل می‌کردند که بر روی آنها نوشته شده بود: «لاشیعه بعدالبوم» (از این پس شیعه‌ای نخواهد بود).

فجایی که رژیم مرتکب شد، خشم جهان شیعه را در پی داشت. بلافاصله پس از شورش مارس ۱۹۹۱، حدود ۳۳۰۰۰ شیعه به نیروهای کشورهای متحد در عربستان سعودی پناهنده شدند. دست کم همین تعداد عراقی نیز به ایران گریختند. مهاجرت شیعیان از عراق، از زمان جنگ تا زمان سقوط صدام ادامه داشت و جوامع گسترده‌ای از شیعیان مخالف عراقی را در ایران، سوریه، بریتانیا، دیگر کشورهای اروپایی و ایالات متحده گرد آورده بود. انتقام جویی خشونت بار رژیم از کردها بر اعتراضات عمومی افزود. از مارس ۱۹۹۱، مخالفت با رژیم به شیعیانی که تا آن زمان غیر سیاسی بودند و نیز، شمار فزاینده‌ای از سنیان سرایت کرد.

از زمان جنگ خلیج فارس، رژیم عراق کوشید تا رویکردی چندجانبه را در قبال شیعیان در پیش گیرد. دولت برای تقویت اقدامات امنیتی در مناطق نا آرام جنوبی، برخی از شیوخ قبایل را دستچین و افزون بر حمایت خاص از آنان، ایشان را برای رویارویی با ساکنان جنوب تجهیز کرده و همچنین در حرکتی تبلیغاتی، به مرمت زیان‌های وارد شده به حرم‌ها و بازگشایی آنها برای زائران خارجی، از جمله ایرانیان پرداخت. در همین حال، رژیم به آزار و اذیت و گاه ترور روحانیان برجسته، از جمله کسانی که هیچ گونه فعالیت سیاسی نداشتند، ادامه داد. در ۱۹۹۱، آیت الله العظمی ابوالقاسم خویی، نود ساله و برجسته‌ترین مرجع شیعه، به رغم اینکه هرگز فعالیت سیاسی نداشت، بازجویی و در منزل خود بازداشت شد. پسر وی، محمد تقی خویی در ۱۹۹۴ و دو روحانی عالی رتبه، یعنی غروی و بروجدی، در ۱۹۹۸ ترور شدند. افزون بر این،

رژیم به اقدامات پیشگیرانه شدیدی علیه شیعیان مظنون دست زده و خانواده‌های شیعی را به ترک بغداد مجبور کرد؛ چرا که حضورشان در آنجا خطرناک بود.

با توجه به جزئیات تاریخی ذکر شده، ملاحظه می‌شود که دشمنی صدام با شیعیان موجب تضعیف جریان‌های سیاسی شیعه شد، ولی از اوایل دهه ۱۹۸۰م و با الهام از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سازمان‌های زیادی برای مبارزه با حزب بعث سربرآوردند که رهبران آنها مستقیم و غیرمستقیم متأثر از نهضت عاشورایی امام خمینی (ره) بودند. گفتمان عاشورایی امام خمینی (ره) که بعد از انقلاب ۵۷ در نظام جمهوری اسلامی ایران متجلی شده بود، در عراق به دلیل داشتن اکثریت جمعیت شیعه از قابلیت اعتبار بالایی برخوردار بود. همان طور که ذکر شد، حزب بعث و در رأس آن صدام حسین، به شدت با پخش این گفتمان به مقابله برخاسته و در این راه از هیچ کاری فروگذار نکرده و شیعیان را به شدت سرکوب کردند و دشمنی و خصومت صدام با این گفتمان موجب اتحاد و انسجام بیشتر گروه‌های شیعی شده و در تغییر و تحول آن از حالت سکون به حالت پویا، نقش مهمی داشته است.

۵. انقلاب اسلامی ایران و رهبری مرجعیت شیعه در عراق

از آنجایی که رهبران شیعی در عراق متأثر از نهضت عاشورایی امام خمینی (ره) بودند، لذا بیشترین تأثیر را در تحول نقش مرجعیت می‌بینیم. از این رو، آن را در دو بخش قبل و بعد از صدام، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵-۱. نقش رهبری شیعه در زمان صدام

جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱م، گروه‌های شیعی مخالف رژیم را به گونه‌ای بی‌سابقه بسیج کرد و جان تازه‌ای به احزاب سنتی اسلامگرا بخشید؛ و به گونه‌ای شگفت‌انگیز تمام اشکال اپوزیسیون غیر مذهبی را گسترش داد.

از گروه‌های فعال سیاسی در این مقطع می‌توان به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق اشاره کرد. این مجلس که خود در برگیرنده مجموعه‌ای از گروه‌هاست و در سال ۱۹۸۰م. به رهبری سید محمدباقر حکیم در ایران تأسیس شد، در اتحاد‌های ایجاد شده میان گروه‌های مخالف، جایگاه برجسته‌ای یافته است. در سال ۱۹۸۹م، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و الدعوه در دمشق با دیگر گروه‌های مخالف عراقی وارد مذاکره شدند. در دسامبر ۱۹۹۰م، حمله

صدام حسین به کویت موجب شد که گروهی متشکل از ۱۷ حزب سیاسی «کمیته فعالیت مشترک» تشکیل دهند و بیانیه‌ای در محکومیت رژیم و حمایت از تغییرات دموکراتیک در عراق به امضا برسانند. اهمیت کمیته فعالیت مشترک در این بود که مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب الدعوه، سازمان عمل اسلامی و گروه‌های اسلامی کوچک‌تر شیعه و همچنین حزب کمونیست عراق، بعضی‌های مخالف ملی‌گرایان عرب، سوسیالیست‌ها، گروه‌های اصلی سنی و احزاب عمده کرد را در کنار یکدیگر قرار می‌داد. در سال ۱۹۹۲م، بیشتر این گروه‌ها در تشکیل کنگره ملی عراق^۱ - که ائتلافی فراگیر از مخالفان بود- مشارکت کردند (فولر- فرانکه، ۱۳۸۴: ۲۱۸-۲۰۹).

از اوایل دهه ۱۹۸۰م. و با الهام از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، چندین سازمان جدید برای مبارزه با حزب بعث سر برآوردند؛ پیش از آن در سال ۱۹۷۹م. گروه کوچکی به نام مجاهدین از طریق اقدامات مسلحانه اعلام موجودیت کرده بود. در ۱۹۸۰م. سازمان عمل اسلامی، به رهبری سیدمحمد شیرازی و هادی مدرسی، از حزب الدعوه انشعاب پیدا کرد. این گروه با ماجراجویی‌های کوتاه مدت مخالف و بیشتر در پی فعالیت‌های عمیق‌تر و دراز مدت بود. گروه سومی هم به نام جماعة العلماء به رهبری آیت الله شهید محمدباقر حکیم به فعالیت مشغول بود و حکیم به عنوان چتر حمایتی و سازمانی گروه‌های مختلف شیعه عمل می‌کرد.

۲-۵. نقش رهبری شیعه پس از سقوط صدام

با سرنگونی رژیم صدام در آوریل ۲۰۰۳، که توقف روند پان عربیسم را نیز در پی داشت، شیعیان با یک فرصت بی مانند تاریخی و یک نقطه عطف در حیات سیاسی خود رو به رو شدند. فشار گسترده و مضاعفی که رژیم بعث از سال ۱۹۶۸ م. به آنها وارد می‌آورد و موجب تضعیف شیعیان شده بود، از بین رفت و تحت هدایت و رهبری مرجعیت شیعه- که آنها نیز از گفتمان انقلابی امام خمینی(ره) و نهضت عاشورایی امام حسین(ع)، تأثیر پذیرفته بودند- جریان‌ها و گروه‌های متعدد شیعه در عرصه سیاسی- اجتماعی به شدت فعال شده اند که عبارتند از:

^۱. INC

۱-۲-۵. حزب الدعوه

در بررسی فعالیت‌های حزب الدعوه باید گفت که این حزب تاکنون چهار دوره متمایز را در زمان حیات خود تجربه کرده است: ۱- دوره تأسیس و گسترش ۲- دوره تحمل فشار، فعالیت زیر زمینی و حرکت به سمت نظامی گری ۳- دوره تبعید و ۴- عصر فعلی فعالیت سیاسی و حضور در حکومت عراق می‌باشد (شاناهان، ۱۳۸۷: ۲۶۷).

همان طور که ذکر شد، در حال حاضر رویکرد حزب، مشارکت سیاسی است و این را خصوصاً در جریان انتخابات و تصویب قانون اساسی عراق و در تبعیت از فتوای آیت الله سیستانی می‌توان مشاهده کرد.

در واقع، این حزب به سیستم نظام پارلمانی متکی بر قانون اساسی به عنوان مقدمه دستیابی به دولت اسلامی باور دارد، زیرا به گفته یکی از اعضای این حزب در این صورت دولت تنها در برابر ملت پاسخگو خواهد بود (موسوی، ۱۳۸۳: ۳۶). از ارگان‌های رسانه‌ای این حزب می‌توان روزنامه الدعوه را نام برد، که از جمله نشریات مطرح در عراق می‌باشد (ایرنا، ۱۳۸۶/۶/۱۲).

۲-۲-۵. سازمان عمل (پیکار) اسلامی

در زمینه رویکردهای «سازمان عمل اسلامی» پس از سقوط رژیم بعث باید گفت اگر چه عمده اعضا و هواداران آن در عراق در شهر کربلا و جنوب عراق قرار دارد، با وجود این تعمیق مرجعیت سید محمدتقی مدرسی و انجام فعالیت‌های فرهنگی از جمله توزیع کتب متعدد سید محمدتقی و سید هادی مدرسی، مدیریت حوزه‌های علمیه این سازمان در سوریه (زینبیه) و ایران (قم، تهران و اصفهان) از عمده‌ترین فعالیت‌های این گروه می‌باشد.

۳-۲-۵. وضعیت سیاسی مجلس اعلای اسلامی عراق

شروع دور جدید فعالیت‌های مجلس اعلا پس از سقوط صدام را می‌توان، ورود آیت ا. محمدباقر حکیم و فعالیت مجدد تحت عنوان حزب و جریان سیاسی درون عراق برای ثبات عراق پس از اشغال و حضور در حاکمیت نوین دانست.

مشی اساسی فعالیت‌های این مجلس، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی می‌باشد و تا زمان سقوط رژیم بعثی - بر تحرکات شبه نظامی نیز تأکید داشت. در گذشته، مبانی نظری عقیدتی آن مبتنی بر نظریه «ولایت فقیه» بود، اما در شرایط عراق پس از صدام متأثر از تجارب رهبران این مجلس پیرامون مسائلی همچون تحولات داخلی ایران، مقتضیات جامعه شناختی عراق و

استراتژی هژمونیک آمریکا در کشور عراق، رویکرد اساسی مجلس، با توجه به اکثریت شیعی جمعیت عراق، پیگیری نهادینه سازی فرآیندهای دموکراتیک در عراق می‌باشد، چرا که نهادینه شدن ایستارهای دموکراتیک در عراق، در مجموع با توجه به اکثریت جمعیتی شیعیان به نفع آنان می‌باشد (حمید المعله، سخنگوی مجلس اعلاء، مصاحبه با هفته نامه الشهاده، ۱۰/۸/۱۳۸۸).

سقوط رژیم بعث صدام و ایجاد فضای باز سیاسی در عراق احزاب و جریانات سیاسی عراق در حاشیه فعالیت های سیاسی خود اقدام به تأسیس و تقویت فعالیت های رسانه ای خود نمودند. شبکه الفرات، وابسته به مجلس اعلاى اسلامی عراق، یکی از این رسانه‌هاست که در پیگیری اهداف این حزب مؤثر بوده است.

۴-۲-۵. جریان‌های فقه‌پرهیزی و کمتر سیاسی (حوزوی) شیعه

گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی شیعه، تنها جریان تأثیرگذار در میان شیعیان نیستند. جریان‌های کمتر سیاسی و سنتی شیعه که در چارچوب حوزه‌های علمیه نجف، کربلا سازمان یافته‌اند، از نفوذ چشمگیری میان شیعیان عراق برخوردار هستند. جریان فقه‌پرهیزی شیعه، پیش از آن که در پی کنترل سیاسی بر عراق از طریق برپایی یک حکومت کاملاً دینی بر پایه اسلام سیاسی در عراق باشد، برای حفظ منافع کلی شیعیان در عراق و پاسداری از میراث فرهنگی و دینی شیعه و ارتقای سنت فقه شیعه تلاش می‌کند. این جریان بیشتر گرداگرد مراجع بزرگ شیعه سازمان دهی شده‌اند. هم اکنون، سه حوزه عمده، نمایندگی مسایل شرعی شیعیان عراق را به عهده دارند:

الف. حوزه آیت ا... العظمی سید علی حسینی سیستانی

آیت ا... سیستانی، یکی از مهم‌ترین طیف‌های فکری را در حوزه نجف تحت کنترل و هدایت دارد.

در بدو اشغال عراق، ضمن محکوم کردن این اقدام، سیاست صبر و مصالحه را برای شیعیان اتخاذ نمود و در اولین انتخابات سراسری، شیعیان را به حضور جدی در انتخابات فرا خواند و از ائتلاف یکپارچه شیعیان حمایت کرد. در استمرار همین رویکرد، نقش وحدت‌گرایانه سیاسی ایشان و حوزه نجف همچنان رو به افزایش می‌باشد. دعوت جریان نجف به دوری از اختلافات و تعامل متقابل گروه‌ها برای بیشتر شدن ثبات و روند رو به جلو ملت عراق از جمله تأکیدات ایشان و نمایندگان وی است (اخبار شیعیان، ۱۳۸۸، ش ۲۱).

ب. حوزه آیت ... العظمی سید ابوالقاسم خویی بعد از صدام

پس از درگذشت آیت ... العظمی خویی - مرجع اعلای شیعیان جهان - پسران وی همچنان به فعالیت‌های فرهنگی در حوزه شیعیان عراق و بیرون از آن ادامه دادند. عبدالمجید خویی، پسر آیت ... خویی، با توجه به وجاهتی که از ناحیه جایگاه بلند پدرش در میان بیشتر شیعیان جهان دارد، از جمله روحانیون تأثیرگذار شیعه بود که تا زمان آغاز جنگ آمریکا و هم پیمانان او علیه صدام، در لندن، در تبعید به سر می‌برد.

تأسیس بنیادی با نام بنیاد خویی در لندن برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی، باعث جذب بسیاری از اعضا، هواداران و پیروان آیت ... خویی شده بود. این بنیاد به کانون تبادل نظر درباره مسایل مربوط به اسلام و گسترش مردم سالاری، بهبود روابط سنیان و شیعیان و روابط اسلام‌گرایان و سکولارها تبدیل شد. این بنیاد با دوری جستن از آشوب‌های سیاسی و پرداختن به موضوع‌های سیاسی از دیدگاه فکری و با روحیه آشتی جویانه، در جلب توجه طیف گسترده‌ای از اندیشمندان عراقی و دیگر اندیشمندان عرب شیعه موفق بوده است (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۶).

ج. حوزه آیت ... صدر

با درگذشت آیت ... خویی، نوعی شکاف نسلی در میان پیروان این مرجع پدید آمد. شیعیان بزرگسال به آیت ... سیستانی اقتدا کردند، در حالی که نسل نو، آیت ... محمد صادق صدر، برادر محمدباقر صدر معروف به صدر ثانی، را مرجع تقلید خود قرار دادند. سیستانی، همچنان که گذشت، در رژیم بعثی با دخالت آشکار در سیاست میانه خوبی نداشت، در حالی که صدر به دیدگاه حکومتی شیعه و دخالت مستقیم و آشکار در سیاست نگاه ویژه‌ای داشت (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۳). با شهادت آیت ... سید محمدصادق صدر به همراه چند تن از پسرانش به دست نیروهای امنیتی رژیم بعث در سال ۱۹۹۹م، ریاست حوزه صدر را مقتدا صدر، جوان‌ترین فرزند او - برادر زاده شهید آیت ... سید محمدباقر صدر - به عهده گرفت. صدر جوان، گروه جماعت الصدر الثانی را تشکیل داد.

شهر کوفه و شهرک صدر بغداد یکی از شهرهای اصلی محل سکونت شیعیان طرفدار مقتدا صدر است و رسانه وابسته به این جریان، روزنامه الاحرار می‌باشد. با نگاهی بر مواضع و رفتار

سیاسی مقتدا صدر وی از نخستین کسانی بود که به دنبال ایجاد یک رویکرد بومی شیعی (ملی‌گرایی شیعی) در عراق بوده است.

مقتدا صدر طی دعوتی از سوی دولت ایران دو سال و اندی را در قم به ادامه تحصیل حوزوی گذراند و حضور خود در صحنه تحولات سیاسی عراق کاهش داد. مقتدا صدر با صدور بیانیه‌ای، علل کناره‌گیری‌اش از فضای سیاسی عراق را اعلام کرد. در این بیانیه که به هنگام برگزاری نماز جمعه در کربلا منتشر شد، آمده است: به چند دلیل من از روند سیاسی، خود را جدا ساختم: نخست اجرای وصیت پدرم، مبنی بر اینکه باید به تحصیلات دینی‌ام ادامه دهم و دوم آزادسازی عراق و ایجاد جامعه اسلامی در این کشور (اخبار شیعیان عراق، بغداد، فروردین ۱۳۸۸، شماره ۲۹). وی در دی‌ماه ۱۳۸۹، بار دیگر به نجف بازگشت. به نظر می‌رسد وی با بازگشت از ایران، با تعدیل کامل مواضع خود سعی در حفظ و ارتقای جایگاه خود در صحنه سیاست داخلی عراق و حامیان منطقه‌ای شیعیان دارد و سعی خواهد نمود در تعامل با جریانات سیاسی شیعه حرکت نماید.

د. حوزه آیت ا... سید کاظم حایری بعد از صدام

آیت ا... سید کاظم حایری یکی از مراجع شناخته شده عراقی و از هم‌درسی‌ها و نیز از شاگردان برجسته آیت ا... شهید سید محمدباقر صدر است. او از سال ۱۹۷۳م. در شهر قم سکونت دارد و از روحانیان مورد احترام به شمار می‌رود. آیت ا... کاظم حایری، خواهان حکومتی همانند ایران در عراق است. او در میان مراجع، علما و کارگزاران ایرانی و نیز عراقی، از جایگاه و جاهت مثبت و قابل قبولی برخوردار است (قاسم زاده، ۱۳۸۰: ۲۵۳).

این حوزه در طی سه دهه عمر خود، همواره پیگیر مسایل و مشکلات توده‌های محروم عراقی و مسائل دینی آنها بوده است. همچنین، بیت، بنیادهای نیکوکاری و حوزه علمیه زیر نظر او در قم، از رونق خوبی برخوردار است. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و پیشینه آیت ا... سید کاظم حایری احتمالاً در سال‌های آینده، همچنان از درون ایران پیگیر مشکلات و مسایل خواسته‌های توده‌های مردم عراق خواهد بود. به طور کلی، سیاست‌ها و مواضع او در قبال تحولات جاری عراق با جمهوری اسلامی ایران همگرایی بسیاری دارد و در آخرین فتوای خود در مورد جنگ عراق، روحانیون عراقی را به آگاه‌سازی مردم از نقشه شیطان بزرگ فرا خواند (غلامی، ۱۳۸۶: ۱۶۸).

بالاخره، جریان شیعیان سکولار که در صحنه سیاسی عراق جدید حزب وفاق وطنی نمایندگی جریان شیعه پان عربی سکولار را بر عهده دارد که ترکیبی از ایدئولوژی‌های ملی‌گرا و چپ‌گرای عربی است و تکیه بر مذهب را به عنوان عامل یکپارچگی نمی‌پذیرند (Ottaway, Kaysi, 2010: 10). و کنگره ملی نماینده جریان شیعه لیبرال میانه رو را بر عهده دارند.

آمریکا که با شعار استقرار دموکراسی به اشغال عراق مبادرت ورزید، نمی‌تواند اکثریت شیعه این کشور را نادیده بگیرد و از ورود آنها به عرصه سیاست و حکومت جلوگیری کند (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۶). در واقع، این بازگشت شیعیان به هویت خود و افزایش تکاپوی سیاسی و اجتماعی آنان موجب شد در پرتو فعالیت سیاسی پویا، تبدیل به یک بازیگر برتر عرصه سیاست داخلی و منطقه‌ای شوند.

۶. نقش رهبران شیعه در حاکمیت جدید عراق و حرکت به سمت ژئوپلیتیک شیعه

با فروپاشی سریع رژیم صدام و عدم تحقق پیش‌بینی‌های آمریکا، عراق دچار خلاء قدرت شد که این امر منجر به ایجاد مشکلات امنیتی به ویژه در بغداد و مناطق سنی‌نشین گردید. در مناطق شیعه‌نشین، نفوذ و قدرت مراجع و روحانیون و دعوت مردم به حفظ وحدت و یکپارچگی در کنترل اوضاع بسیار مؤثر بود. سیل عظیم زائران ایرانی به این مناطق نیز باعث رونق بازار اقتصادی و کمکی برای ایجاد آرامش و رفاه در این مناطق گردید. این در حالی بود که مناطق سنی‌نشین به واسطه اقدامات مسلحانه علیه اشغالگران و ترور عناصر مهم حکومتی، در وضعیت اقتصادی و امنیتی وخیمی به سر می‌بردند. عناصر بعثی وابسته به صدام و همچنین اعضای القاعده نفوذی به عراق اوضاع امنیتی این کشور به ویژه مثلث سنی‌نشین غرب و شمال غربی بغداد را به طور فزاینده آشفته ساختند (نادری، ۱۳۸۶: ۴۹).

از ماه سپتامبر ۲۰۰۳ به بعد، مقاومت مسلحانه به صورت حمله‌های پراکنده، پرتاب موشک، بمب‌گذاری، ترور و ترورهای انتحاری افزایش یافت و در ماه رمضان (اواخر اکتبر) به اوج خود رسید. بیشتر قربانیان این حملات عراقی بودند، اما تعداد زیادی از سربازان آمریکایی نیز کشته و زخمی شدند، به طوری که میانگین تلفات ماهانه ارتش آمریکا از دوره جنگ بیشتر شد. حتی پل برمر، حاکم آمریکایی هم در ماه دسامبر مورد سوء قصد قرار گرفت و تنها بر اثر تصادف جان

سالم به در برد. این گونه حمله‌ها که به طور عمده در منطقه سنی‌نشین صورت می‌گرفت و همچنان نیز ادامه دارد، بیشتر متوجه مقامات و پلیس‌های عراقی است. از سویی دیگر طی سال ۲۰۰۳، مقتدا صدر، یک گروه شبه‌نظامی در مناطق شیعی‌نشین تشکیل داد. در آوریل ۲۰۰۴، در نجف و چند شهر دیگر، به علت دستگیری معاون وی، درگیری‌هایی میان نظامیان اسپانیایی و آمریکایی و ایتالیایی از یک طرف و این شبه نظامیان از طرف دیگر روی داد که در نهایت به یک درگیری مسلحانه در نجف و کربلا منجر شد. این قیام نیز تنها با میانجیگری سیاستمداران و روحانیان عراقی، به ویژه آیت‌الله سیستانی و با تضمین فرماندار آمریکایی دایر بر صرف نظر کردن از تعقیب مقتدا صدر پایان یافت (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۸۴).

در این برهه، آمریکا با پدید آمدن ژئوپلیتیک نوینی در عراق و قدرت یابی دشمنان ایدئولوژیک خود در آن، دریافت که برای بهره برداری از منابع انرژی این کشور و با ایجاد یک رابطه تجاری با آن، نه تنها باید حاکمیت سیاسی عراق را در محدوده مرزهای آن بپذیرد، بلکه باید در سایه قدرت خود به قدرت‌های منطقه‌ای و به ویژه ایران - که یک کشور دارای اکثریت شیعه است - نیز توجه کند (کتابی، راستینه، ۱۳۸۸: ۳۳-۱۱).

در نوامبر ۲۰۰۳، روزنامه واشنگتن پست از متقاعد شدن آمریکا برای تشکیل دولتی با اکثریت شیعه در عراق خبر داد و اعلام کرد: دولت بوش به این نتیجه رسیده است که حکومت شیعیان در عراق امری اجتناب ناپذیر است (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۶). نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس از صدام، فشار گروه‌های عراقی به ویژه گروه‌های پر قدرت شیعه، پتانسیل بالای مرجعیت با پشتوانه‌های مردمی و همچنین وجود ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شیعه، که از جریان‌های شیعی عراق حمایت می‌کرد، منجر به حرکت ناخواسته آمریکا به سمت طرح ژئوپلیتیک شیعه شد. در همین راستا، ما شاهد افزایش مشارکت سیاسی شیعیان هستیم که در چند مرحله قابل ذکر است:

اول: شورای حکومتی: یکی از گام‌های اساسی که به احقاق حقوق شیعه کمک نمود، تشکیل شورای حکومتی بود که برای نخستین بار در تاریخ عراق، شیعیان از اکثریت در بدنه این شورا برخوردار شدند. این شورای انتصابی بعد از سه ماه از اشغال عراق تشکیل شد، یکی از دلایل تأخیر در تشکیل این نهاد، نگرانی کاخ سفید از کسب کرسی‌های این شورا توسط اکثریت شیعه

و ضرورت صرف زمان و درک بیشتر رفتار و رویکرد آتی شیعیان در عراق جدید بود که با راهبرد سازنده شیعیان و فشار مرجعیت و حمایت‌های جمهوری اسلامی و گفتگوهای سیاسی جدی، شیعیان توانستند حضور خود در این شورا را تثبیت نمایند.

دوم: تدوین قانون اساسی: تلاش برای تدوین هرچه سریع‌تر قانون اساسی و برگزاری انتخابات سراسری در به دست گرفتن حاکمیت توسط عراقی‌ها از اصول برنامه‌های شیعیان بود که با فشارهای سیاسی و تبلیغاتی شیعیان به ویژه تأکیدات آیت‌ا. سیستانی، آمریکایی‌ها مجبور شدند پروسه تدوین قانون اساسی را سریع‌تر در دستور کار قرار دهند. آمریکا ابتدا در نظر داشت با ایجاد یک حکومت نظامی به مدت چهار سال هدایت تحولات این کشور اشغال شده را به دست گیرد، اما با شکست این راهبرد، یک مجلس حکومتی انتصابی در عراق تشکیل داد. آمریکا در ادامه برنامه‌ریزی خود با این استدلال که برگزاری انتخابات عمومی نیازمند قانون متقن دارد که اساساً وجود نداشت، در تلاش بود تا همین مجلس حکومتی با تشکیل یک کمیسیون تحت عنوان کمیسیون تدوین قانون اساسی، با همکاری و مشاوره مشاوران مورد نظر آمریکا، قانون اساسی عراق را تدوین نموده و در نهایت به آرای عمومی بگذارد. در حالی که آیت‌الله سیستانی اظهار داشته بود نیروهای اشغالگر از هیچ‌گونه شایستگی برای تعیین اعضای مجلس نگارش قانون اساسی برخوردار نیستند، ابتدا باید انتخابات عمومی برگزار شود تا از این طریق هر عراقی واجد شرایط، نماینده مورد نظر خود را برای نگارش قانون اساسی تعیین کند. آنگاه قانون اساسی به وسیله این مجلس تدوین شده برای تصویب نهایی به فراندوم عمومی گذاشته شود (احمدی، حائری، ۱۳۸۹: ۲۰).

شیعیان با تمام گروه‌هایشان دنباله رو فتوای سیستانی بودند. آیت‌الله سیستانی در به حرکت درآوردن هزاران تن از مردان خود در مطالعه انتخابات موفق بود، از این رهگذر تظاهرات مردمی بی‌نظیری در حمایت از برگزاری انتخابات به نمایش در آمد. گروه بحران بین‌المللی^۱ که در گزارش خود با رأی سیستانی نیز مخالف بود، بیان می‌دارد که احزاب دینی شیعی شامل مجلس اعلی، تمام طیف‌های حزب الدعوه، و حتی نیروهای مقتدی صدر که اختلافات عمیق با دیگر گروه‌های شیعه داشتند، با فتوی آیت‌الله سیستانی موافق بوده‌اند. پس از این اقدامات، ابتدا

^۱. ICG: International Crisis Group

قانون اساسی موقت عراق در تاریخ مارس ۲۰۰۴م، مقارن با ۱۸ اسفند سال ۸۲، تقدیم شد و قانون اساسی دائم نیز در همه پرسی روز ۱۵ اکتبر/۲۳ مهر تحت تدابیر شدید امنیتی با حضور حدود ۹ میلیون واجد شرایط برگزار شد و در ۲۵ اکتبر/۳ آبان نتایج نهایی همه پرسی اعلام شد و در آن ۷۸ درصد از شرکت‌کنندگان به قانون اساسی رای آری دادند و بالاخره عراق پس از ده سال صاحب یک قانون اساسی دائم و دموکراتیک شد. این وضعیت امیدواری‌ها برای احیای حقوق شیعیان و واگذاری امور به مردم عراق را بیشتر نمود (همان: ۲۲-۲۱).

۱-۶. جایگاه شیعیان در قانون اساسی نوین

از آنجا که قانون اساسی عراق متضمن حقوق و مزایایی برای اکثریت جمعیت کشور بوده و در ساختار سیاسی کشور، بالاترین مقام اجرایی (نخست وزیر) را برای اکثریت قائل شده است، گروه‌های شیعی شامل مجلس اعلا، سازمان بدر، حزب الدعوه، کنگره ملی عراق، حزب فضیلت و جنبش وفاق ملی (گروه سکولار علاوی) بر مشارکت در همه پرسی و دادن رأی مثبت اتفاق نظر داشتند و جمهوری اسلامی ایران نیز در ایجاد این وحدت نقش مؤثری داشت. در این میان، تنها گروه مقتدی صدر موضع مشخصی اتخاذ نکرده و هواداران خود را برای دادن رأی مثبت یا منفی مختار گذاشت.

تلاش در تدوین یک قانون اساسی مورد توافق همه جریان‌های سیاسی و حافظ منافع ملی عراق در کنار تأکید بر مراجعه به آرای عمومی در عراق با هدف کشاندن دایره اختلافات به پای صندوق‌های رأی و تقویت بستر اصلی حرکت و نهادینه کردن روند مردمسالاری راهبرد نظام سیاسی جدید عراق به رهبری شیعیان بوده است.

شیعیان جریان محوری و مسلط در صحنه سیاسی عراق پس از صدام شدند. تقویت عنصر شیعه در عراق بعد از سقوط صدام، نقش مهمی در متعادل کردن روابط این کشور با کشورهای شیعی منطقه داشته است. بی تردید، وقوع تحولات سیاسی جدید در عراق، نقطه عطفی در تقویت جایگاه شیعیان در منطقه و جهان به شمار می‌آید. پیش از آن، بروز انقلاب اسلامی، جایگاه شیعیان در منطقه را وارد مرحله جدیدی کرده بود. در واقع، انقلاب اسلامی ایران به شیعیان جرأت داد تا هویت خود را بیان کنند و ابزاری در اختیار آنان گذاشت تا حضور خود را برای دیگران محسوس سازند. در شرایط جدید که به تعبیر گراهام فولر، «مسلمانان فراموش

شده» بودند، به یکباره به عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در مسایل منطقه وارد عرصه تحولات خاورمیانه شده‌اند. در این میان، اهمیت نقش ایران در ملت‌های شیعه منطقه، بخصوص در عراق، بر یک منطق ساده استوار است: حفظ ثبات در عراق برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی است و ایران دارای ابزارهای نفوذ قوی (طبیعی) در جهت حفظ امنیت و ثبات است (برزگر، ۱۳۸۷: ۹۰-۸۸). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران، جریان اندیشه سیاسی شیعه را متحول کرده، آن را معطوف به قدرت نموده و به حالت گفتمانی درآورده است. این تأثیرات در عراق، همان‌گونه که در ایجاد گفتمان مقاومت برای مقابله با حزب بعث تأثیرگذار بوده و مقدمات فروپاشی آن را فراهم کرد، در تحولات عراق بعد از صدام نیز، نقش داشته، علاوه بر کمک به ثبات عراق، موجب شکل‌گیری گفتمان مشارکت نیز شده است.

۷. نحوه پخش گفتمان سیاسی شیعه در عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

کشور عراق که خود همواره کانون اصلی تشیع و مبدأ پخش آن بود، به دلیل سرکوب‌های شدید صدام - همان‌طور که در بخش گفتمان بیان شد، غیر (دشمن) هم موجب شکل‌گیری و تثبیت گفتمان و هم عدم تثبیت آن می‌شود- به خارج از مرزهای عراق، خصوصاً ایران نقل مکان کرد، یعنی در دوره صدام حسین گفتمان سیاسی شیعه عراق به روش پخش جابه‌جایی مکان اصلی خود را تغییر داده و از عراق به ایران، نقل مکان کرد. این کار از طریق مهاجرت شخصیت‌ها و رهبران مذهبی و سیاسی، انجام شد. انقلاب ایران در ابتدا با دمیدن روحیه امید در میان شیعیان آنجا، موجب شکل‌گیری گفتمان مقاومت شد و سپس به دلیل سرکوب شدید، گفتمان به ایران نقل مکان کرده و ایران را مبدأ پخش خود قرار داد و تحولات عراق را از همانجا رصد می‌کرد.

برخی از عوامل پخش این تأثیر عبارتند از: اول، وجود حوزه علمی در کربلا و نجف و ارتباط تاریخی حوزه و علما و روحانیون ایرانی و به ویژه اقامت طولانی حضرت امام در عراق؛ دوم، وجود مرزهای مشترک بین ایران و عراق به طول بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر؛ سوم، شباهت‌های مذهبی و فقهی و مشترکات فرهنگی دو کشور؛ چهارم، تشکیل و تحرکات احزاب اسلامی در عراق که تحت تأثیر انقلاب اسلامی جان تازه‌ای گرفتند و پنجم وجود و حضور ایرانیان ساکن در شهرهای مهم شیعیان عراق.

رژیم صدام حسین نه تنها به عنوان یک سپر در برابر انتقال پیام ایران به عراق عمل می‌کرد، بلکه این نقش را در مورد کل کشورهای عربی نیز داشت. ولی با برجیده شدن رژیم بعثی صدام حسین، پیام انقلاب اسلامی به انواع شیوه‌های پخش در کل کشورهای عرب منطقه و خصوصاً عراق تأثیر گذاشته و موجب بیداری اسلامی در منطقه شده است.

نتیجه گیری

طبق آنچه آمد، روشن شد که عمده‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران در عراق، تحول نقش مرجعیت و رهبری به تاسی از رهبری امام خمینی(ره) و ایجاد و گسترش جنبش‌های اسلامی شیعی در عراق بود. نظریه ولایت فقیه امام، در کنار ارائه یک الگوی بدیل حکومتی، متضمن راه‌های وصول به آن نیز بود و این کوششی بود که برای نخستین بار به شکل یک شبکه فکری منسجم در خدمت حل مشکل و چالش فکری و سپس عملی جامعه ایران درآمد. بدون تردید، عملی کردن این دیدگاه امام آن را از شکل یک نظریه فقهی شخصی، به یک نظریه بالنده، پویا و پایدار تبدیل کرد (درخشه، ۱۳۸۶: ۲۹۷). مراجع و روحانیان شیعه عراق نیز با تاسی از انقلاب اسلامی ایران و گفتمان انقلابی امام خمینی(ره) و نهضت عاشورایی امام حسین(ع) و نیز الگوپذیری از بالندگی و پویایی نظریه ولایت فقیه امام، که در اقدامات مراجع عراق مشهود بود، توانستند دال‌های اندیشه شیعه را در یک زنجیره هم‌ارزی مناسب در کنار هم قرار داده و گفتمان مقاومت را تشکیل دهند. از آنجا که اصول اساسی این گفتمان با اصول و ارزش‌های بنیادین جامعه که اکثریت آن شیعه هستند، همخوانی دارد، لذا از قابلیت اعتبار لازم برخوردار بوده و هژمونیک می‌شود.

در همین راستا، ما شاهد شکل‌گیری و گسترش جریان‌های سیاسی هستیم، که از آن جمله، تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های اسلامی و روحانیون برجسته عراق که مبارزات اسلامی خود را علیه رژیم عراق تشدید کرده بودند، به دنبال تلاش‌های فراوان توانستند بنیان‌های منسجم سیاسی و مذهبی را تحت عنوان مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق پایه‌ریزی کنند؛ این مجلس به سرپرستی شهید آیت

الله سید محمدباقر حکیم تشکیل گردید. گفتمان حاکم بر این جریان و جریان‌های دیگر سیاسی در عراق، به دلیل ظلم و ستم و سرکوب شدید شیعیان توسط صدام، گفتمان مقاومت بود. روند گفتمان سیاسی شیعه بعد از صدام به گونه‌ای بود که در ابتدا به دلیل از بین رفتن غیر و دشمن (صدام)، گفتمان مقاومت کمی دچار چالش شد و شاهد مثال این امر نیز قضیه مقتدی صدر و اختلاف‌های اندک آن مقطع بین شیعیان بود. اما همان‌گونه که گفتمان لاکلا و موف هم به نقش رهبر اشاره دارند، باید گفت که در این زمان نیز تحت رهبری هوشمندانه مراجع و روحانیان مذهبی شیعه در عراق، عناصر سیاسی شیعه مجدداً در یک زنجیره هم‌ارزی مناسب مفصل‌بندی شده و به دو خرده‌گفتمان؛ مقاومت در مقابل آمریکا و تروریسم و گفتمان مشارکت سیاسی در بعد داخلی تبدیل شد. در این مقطع، گفتمان به طریق سلسله‌مراتبی پخش می‌شود. یعنی از یک فرد مهم (مراجع و رهبران مذهبی) و مراکز مهم، به بقیه افراد و مکان‌ها منتقل می‌شود. همان‌طور که در بررسی تاریخ معاصر عراق نشان دادیم، ما شاهد افزایش مشارکت هر چه بیشتر شیعیان در صحنه سیاسی هستیم و این در حالی است که هر گاه عاملی مثل آمریکا و یا تروریسم به عنوان سدی در مقابل این مشارکت سیاسی عمل کند، گفتمان مقاومت تحت هدایت و رهبری علما و مرجعیت شیعه به طور هماهنگ و متحد در مقابل آن ایستادگی می‌کند. تدوین قانون اساسی عراق که همه گروه‌های شیعه تحت رهبری آیت‌الله سیستانی مردم را به مقاومت در مقابل آمریکا فراخوانده و موجبات تدوین قانون اساسی عراق آن هم با رأی و نظر مردم خود آن کشور شدند، نمونه بارز نقش رهبری در این گفتمان است.

در حال حاضر نیز پس از خروج آمریکا، با چالش‌های اندکی در گفتمان‌ها خصوصاً گفتمان مقاومت مواجهیم و دلیل آن هم از بین رفتن عامل دشمن است که خود باعث تثبیت گفتمان می‌شود، ولی همچنان گفتمان سیاسی شیعه، با راهنمایی‌های علما و مراجع در سطح بالایی در صحنه سیاسی مشارکت دارد.

منابع

الف. کتاب ها:

۱. آقاجانی قناد، علی (۱۳۸۴)، اخراج ایرانیان از عراق. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. ای فولر، گراهام و رند رحیم فرانکه (۱۳۸۴)، شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده. ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه شناسی.
۳. برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - دفتر گسترش تولید علم.
۴. حکیم، سید محسن (۱۳۸۲)، موضع آئی شیعیان عراق در برابر کشورهای همسایه (مجموعه مقالات مسائل ایران و عراق) تهران: شریعت.
۵. حقیقت، صادق (۱۳۸۷)، روش شناسی علوم سیاسی. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۶. درخشه، جلال (۱۳۸۶)، گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۷. شاناهان، راجر (۱۳۶۲)، توسعه سیاسی شیعه در عراق (حزب الدعوه). ترجمه: سید ناصر میری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
۸. عضدانلو، حمید. ۱۳۸۰. گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۶)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. قاسم زاده، محمد تقی (۱۳۸۸)، نقش مرجعیت در تحولات سیاسی عراق (۲۰۰۶-۱۹۶۸). تهران: فردابه
۱۱. لینکلیر، آندرو (۱۳۸۵)، ماهیت و هدف نظریه روابط بین‌الملل، ترجمه: لیلا سازگار، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۲. موسوی، سید حسین (۱۳۸۳)، حزب الدعوه اسلامی عراق: پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۳. میلز، سارا (۱۳۸۸)، گفتمان. ترجمه: فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم.

(ب) مقالات:

۱۴. احمدی، حمید (۱۳۸۲)، آسیب شناسی جریان‌های سیاسی عراق. مجله راهبرد، شماره ۲۸.
۱۵. احمدی، فرج الله و قزوینی حائری (۱۳۸۹)، فرایند تدوین قانون اساسی عراق. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.
۱۶. ایکنبری، جی جان (۱۳۸۲)، عراق و سودای بلند پروازانه آمریکا. ترجمه حمید مرادخواه و امین روان بد، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۸.
۱۷. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۸.
۱۸. تلاشان، حسن (۱۳۸۹)، دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق. فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۳۱.
۱۹. خرمشاد، محمدباقر و نادری، احمد (۱۳۹۰)، نقش حزب الدعوه الاسلامیه در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق. فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۳۳.
۲۰. دادفر، سجاد (۱۳۸۹)، تحول و دگردیسی در نمای جامعه شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم (علل و پیامدها). فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۳۲.
۲۱. غلامی، مصطفی (۱۳۸۶)، نقش شیعیان و رهبران مذهبی عراق در تحولات سده اخیر، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۷.
۲۲. کتابی، محمود و راستینه، احمد (۱۳۸۸)، دکترین سازنده در سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره سوم.
۲۳. کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی و تعالی گفتمان سیاسی شیعه. دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵.
۲۴. محمدی، علی اصغر (۱۳۸۳)، شیعیان عراق؛ آرمان‌ها، واقعیت‌ها و چالش‌ها. مجله شیعه شناسی، شماره ۷.
۲۵. نادری، محمود (۱۳۸۶)، چگونگی روند دولت سازی در عراق پس از صدام و مایه‌های ناامنی. مجله سیاسی- اقتصادی، شماره ۳۲۷.

۲۶. المعلة، حمید (سخنگوی مجلس اعلاء)، مصاحبه به هفته نامه الشهاده، ۱۳۸۸/۸/۱۰.
۲۷. شریه الشهاده، بغداد، مصاحبه با دکتر حسین شهرستانی ۸۸/۸/۱۰.
۲۸. بولتن اخبار شیعیان عراق، شماره ۲۱، بغداد ۱۳۸۸.
۲۹. ایرنا، ۱۳۸۶/۶/۱۲.
30. Plano, Jack c. Olton, Roy (1982), The International Relations Dictionary, USA.
31. Ottaway, Marina: Kaysi, Danial (2010), Shi'a Politics: Preparing for Victory and for the Next Battle, Rand, February 26.